حیات‌نامه فکری و سیاسی علامه محمدتقی مصباح یزدی
از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی(۱۳۵۷-۱۳۱۳) - ۹۷

فرار رو به جلو با اتهامات بی‌اساس

دکتر سهراب مقدمی شهیدانی

آقای استادی چند سال بعد در خاطراتش به بیان نکات جالب دیگری پرداخته و مخالفان آیت‌الله مصباح را از دروغ‌گویی پرهیز داده است: «بنده در مقاله گونه‌ای که در برخی جراید چاپ شد، بی‌اساس بودن آن مطلب را گوشزد کردم. آن مطلب این بود که حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسین موسوی تبریزی و شاید برخی دیگر از همفکران ایشان ادعا کردند سالی که امام امت فرموده بود در پانزدهم شعبان مردم از جشن و چراغانی خودداری کنند و به این وسیله اعتراض خود را به برنامه‌های شاه نشان دهند، در قم همه به این دستور عمل کردند و فقط مؤسسه در راه حق جشن گرفت و با حضرت امام مخالفت کرد. بنده در آن مقاله، کذب و بی‌اساس بودن این مطلب را با ذکر قرینه یاد کردم.

و انتظار است که کسانی که با آیت‌الله مصباح و مشی او مخالف هستند، دست کم از دروغ و خلاف واقع گفتن استفاده نکنند. مؤسسه در راه حق و هیئت‌مدیره و هیئت امنای آن در هیچ تاریخی با انقلاب و حضرت امام مخالف نبوده و مخالفت نکرده‌اند و بخشی از هزینه‌های مؤسسه در راه حق با اجازه آن بزرگوار توسط برخی تُجّار تأمین می‌شد. یکی از شواهد زنده آن این است که شهید حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ غلامحسین حقانی یکی از اعضای هیئت‌مدیره این مؤسسه از علاقه‌مندان ویژه حضرت امام و انقلابی‌های معروف بود. اگر بخواهم حمل بر صحت کنم، باید بگویم مدعی این تهمت بی‌اساس، جشنی که سال‌ها بعد در مؤسسه در راه حق به عنوان عید مبارک غدیر برپا شد، به ذهنش بوده و آن را با جشن پانزدهم شعبان اشتباه گرفته.»[1]

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدهادی خسرو شاهی نیز در برابر هجمه‌هایی که به آیت‌الله مصباح -خصوصاً در دهه ۷۰- شد نوشته است: «از آغاز «حماسه دوم خرداد» و تا به امروز، این‌جانب از اظهار نظر در مسائل سیاسی روز، «به طور مطلق» خودداری کرده‌ام تا در «ایجاد تنش» سهمی ولو ناچیز، نداشته باشم!... البته باور من این است که «اختلاف دوستان» عمقی و ریشه‌ای نیست، بلکه همان داستان ملای رومی و «اوزوم» و «انگور» و «عنب» است!... اما متأسفانه این‌بار، برخوردها در مقابل برداشت‌ها، با «تهاجم و شبیخون همه‌جانبه» به طرف مقابل! و «انکار تام و تمام» یکدیگر همراه است! آیا واقعاً نمی‌توان در موردی- یا مواردی- انسان با کسی اختلاف نظر داشته باشد، ولی اصول و احترام و ادب و اخلاق و... را هم مراعات کند؟ چرا در گذشته نه چندان دور چنین بودیم، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی چنین شده‌ایم؟... بی‌شک اگر اختلاف و دعوا، از «حدود شرعی» خارج شد، دیگر خدایی نیست....

امام خمینی رحمه‌الله علیه مطلبی درباره اختلاف‌ها و برخوردهای اوائل انقلاب دارند که من گفته‌ام هفته‌نامه «بعثت» قم- هر هفته و در هر شماره و تا به امروز، و در بالای صفحه اول- آن را نقل کنند که متن آن چنین است: «... دعواهای ما، دعوایی نیست که برای خدا باشد... همه ما از گوش‌مان بیرون کنیم که دعوای ما برای خدا است، ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوای من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند، همه برای خودشان است...»! پس اگر «دعوا برای خودشان» را رها کنیم، می‌توان هم با استاد مصباح در همه امور همفکر نبود و هم به ایشان ارادت ورزید و هم می‌توان حضرت محتشمی را دوست داشت و هم می‌توان ادب اسلامی و احترام انسانی را در مورد همه برادران مراعات نمود و هم از اقدامات و جنبه‌های مثبت کارهای دیگران پشتیبانی و تقدیر کرد و هم برادر بادامچیان را مانند ۳۰ سال قبل، از ته دل دوست داشت و هم از همه آنها «انتقاد» به قصد «اصلاح» نمود....

همه می‌دانند که من با استاد مصباح در مسئله مرحوم «دکتر شریعتی» هم عقیده نبودم و نیستم، ولی آیا این امر مجوز آن می‌توانست باشد که من در آن دوران، همه ارزش‌ها را نادیده بگیرم و حالت هجوم به خود بگیرم و مخالفت آغاز کنم؟... هرگز! احترام استاد مصباح و دیگر اساتید محفوظ است و برداشت‌ها و «اجتهاد»های ما هم برای خودمان محترم و محفوظ! خواهد بود. فللمصیب اجران و للمخطئ اجرٌ واحد.

من وقتی تلمذ استاد مصباح را در خدمت استاد بزرگوار علامه طباطبایی قدس سره دیده‌ام و می‌دانم که ایشان از شاگردان ممتاز آن بزرگوار در «همه زمینه‌ها» است، چگونه می‌توانم به خود اجازه دهم که به خاطر یک یا چند نوع برداشت ایشان از مسائل سیاسی روز- و در خطبه‌های پیش از نماز جمعه- که با دیدگاه و باورهای من ناسازگار است، راه و روش دیگری را درباره ایشان انتخاب کنم؟ پاسخ اندیشه، اندیشه است نه چیز دیگر... و اگر در این راه به «دعوا» کشیده شدیم، باید بدانیم که به قول امام خمینی رحمه‌الله علیه: «دعوا برای خودشان» است!- قم، مرکز بررسی‌های اسلامی- شهریور ۱۳۷۹ سیدهادی خسروشاهی.»[2]

برخی مخالفان فکری آیت‌الله مصباح، مانند عمادالدین باقی[3] نیز در عین اختلاف نظر عمیق با ایشان، اتهام حجتیه‌ای بودن را بی‌اساس می‌دانند. وی می‌گوید: «بسیاری از حرف‌هایی که زده می‌شود مطالعه نشده و سطحی است. متأسفانه جریان‌شناسی سیاسی و اندیشه‌ای در ایران فوق‌العاده ضعیف است... شاهدش هم همین صحبت شماست. خود من به کرّات شنیده‌ام که به اشتباه می‌گویند شیخ حسین لنکرانی حجتیه‌ای است، مصباح یزدی حجتیه‌ای است... از این رو همسان‌پنداری جریان مصباح با انجمن حجتیه اشتباه است.»[4]

آیت‌الله مصباح خود، در این‌باره، در گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه کیهان در ۱۴ شهریور ۱۳۷۸ در پاسخ به این سؤال که «یکی از آقایان ادعا کرده بود که اعلامیه‌ای در تأیید حضرت امام رحمه‌الله علیه در دی‌ماه ۱۳۵۷ نوشته شده بود و حضرت‌عالی آن را امضا نکرده بودید و یکی دیگر این‌که ادعا شده حضرت امام رحمه‌الله علیه یک سال فرموده بودند چراغانی نیمه شعبان به خاطر جنایت‌هایی که رژیم کرده بود، انجام نشود و مؤسسه در راه حق که حضرت‌عالی در آنجا فعالیت داشتید، چراغانی کرده و به این موضع توجه نکرده بودید» گفت: «من از کسانی که در مدت عمر طلبگی ۵۴ ساله‌ام چیزی بیشتر از این دو مورد ذکر نکرده‌اند، خیلی متشکرم(!) البته سیئات ما خیلی بیشتر از این دو مورد است.... در مورد مسئله چراغانی من این قضیه را به یاد نمی‌آورم ولی باید عرض کنم من در مؤسسه راه حق، نه مؤسس و تصمیم‌گیرنده بودم بلکه از من دعوت شده بود که یک برنامه آموزشی را اجرا کنم و درواقع یک معلم بیش نبودم و فقط در آنجا درس می‌دادم و در کارهای اجرائی آن هیچ‌گونه دخالتی نداشتم. اگر فرضاً چیزهایی انجام شده بود- که البته من همچون چیزی را حتی به مؤسس آن نسبت نمی‌دهم چرا که حتی مؤسسان آن هم از بزرگانی بودند که از لحاظ وفاداری به انقلاب من کمتر نظیر آنها را دیده بودم- به من مربوط نیست. از طرف دیگر، گیرم حالا بنده تخلف و گناه کبیره کردم، چه ربطی به این مطالبی دارد که شما نقل می‌کنید. شما اگر حرفی دارید، حرف مرا رد کنید، بحثی را که من کردم شما در مقابل بحث من می‌گویید که بیست و چند سال پیش طرف در مؤسسه «در راه حق» چراغانی کرده است. گنه کرد در بلخ آهنگری/ به شوشتر زدند گردن مسگری. ما محکوم می‌شویم که مطالبمان خلاف است چون بیست و چند سال پیش در آنجایی که ما درس می‌دادیم چراغانی کرده‌اند(!)»[5]

برخی مخالفان فکری آیت‌الله مصباح، مانند عمادالدین باقی در عین اختلاف نظر عمیق با ایشان، اتهام حجتیه‌ای بودن را بی‌اساس می‌دانند. وی می‌گوید: «بسیاری از حرف‌هایی که زده می‌شود مطالعه‌نشده و سطحی است. متأسفانه جریان‌شناسی سیاسی و اندیشه‌ای در ایران فوق‌العاده ضعیف است... همسان‌پنداری جریان مصباح با انجمن حجتیه اشتباه است.»

نکته مصاحبه آیت‌الله مصباح با کیهان این‌جاست که ایشان به جهت حفظ امانت در خاطره‌گویی، و پرهیز از تعریف کردن چیزی که خبر دقیقی از آن به خاطر ندارد، جانب تقوا را رعایت کرده و در این موضوع، چون حافظه تاریخی‌شان همراهی نمی‌کرد، به گونه‌ای جواب داد که انسان‌های مُغرض، و به تعبیر قرآن، «فی قلوبهم مرض» هستند می‌توانستند از آن علیه خود ایشان استفاده کنند. چنان‌که می‌بینیم روزنامه نوروز، که یکی از پایگاه‌های مطبوعاتیِ مخالف ایشان بود در ۵ شهریور ۱۳۸۰ و به شکلی شیطنت‌آمیز همین کار را کرد. این نشریه با قرار دادن عبارات کلی آیت‌الله مصباح در این مصاحبه در کنار عبارات قاطعانه آقای استادی، به گونه‌ای قضیه را بازتعریف کرد که در تناقض با تکذیبیه آقای استادی در ۸ شهریور۷۸ در روزنامه رسالت باشد. روزنامه نوروز نوشت: «اظهارات دادستان انقلاب منصوب امام در مورد قضیه «چراغانی نیمه شعبان»، باعث شد تا یکی از دوستانِ آیت‌الله مصباح یزدی که تا چندی پیش هم از جملهِ اعضای عالی رتبه یک نهاد بسیار قدرتمند حکومتی بودند، در واکنشی شدیداللحن این «ابهام» که مؤسسه «در راه حق» در نیمه شعبان ۵۷ به چراغانی و جشن گرفتن پرداخته است را کذب محض دانسته و در اثبات تکذیب خود، متذکر شوند که در آن زمان، مؤسسه «در راه حق» در دست ساختمان بوده و فعالیت‌های آن در مرکزی انجام می‌شده که «اصلاً مناسب با مجلس جشن نبوده» (رسالت، ۷۸/۶/۸). این در حالی بود که تنها ۶ روز بعد، شخص استاد مصباح وقتی در مقابل سؤالی از موضوع «چراغانی کردن مؤسسه در راه حق» در نیمه شعبان سال ۵۷ قرار گرفتند، «کلامی» در تکذیب این موضوع بر زبان نرانده و تنها اظهار داشتند که مسئولیت اقدام مؤسسه «در راه حق» را نمی‌پذیرند: «من در مؤسسه راه حق نه مؤسس و نه تصمیم گیرنده بودم بلکه از من دعوت شده بود که یک برنامه آموزشی را اجرا کنم و در واقع یک معلم بیشتر نبودم و فقط آنجا درس می‌دادم و در کارهای اجرائی آن هیچ‌گونه دخالتی نداشتم، اگر فرضاً چیزهایی انجام شده بود. به من مربوط نیست». هر چند ایشان در ادامه بدون توضیح بیشتر در مورد این که آیا وظیفه «یک معلم» هست که در مقابل سرپیچی همکاران خود از دستور «ولی فقیه زمان» موضع بگیرند یا نه متواضعانه جمله‌ای را نیز می‌افزودند که امکان بروز «تخلف» در این زمینه از سوی شخص ایشان را نیز منتفی نمی‌دانست: «گیرم حالا بنده تخلف و گناه کبیره کردم؛ چه ربطی به این مطالبی دارد که شما -در رد عقاید من- نقل می‌کنید.»[6]

پانوشت‌ها:

۱- خاطرات حاج شیخ رضا استادی، ص۲۹۱.

۲- اسناد نهضت اسلامی ایران(بعثت و انتقام)، ج ۱، صص۳۵۳-۳۵۴.

۳- عضو ارشد جریان منتظری و نویسنده کتاب «در شناخت حزب قاعدین زمان» در نقد انجمن حجتیه. گفته می‌شود وی خود از اعضای انجمن حجتیه بوده است و پس گرفتن کتاب مذکور را می‌توان قرینه صدق این گزاره قلمداد کرد.

۴- «باقی: نه مصباح یزدی، حجتیه‌ای است نه احمدی‌نژاد»، ایرنا، https://www.irna.ir، ۱۳۹۷/۱۱/۱۷، کد خبر: ۸۳۱۹۹۹۰۹.

۵- گفتمان مصباح، صص۸۵-۸۶. (به نقل از: روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۰۶/۱۴، صص ۶-۷.)

۶- روزنامه نوروز، شماره ۱۱۷، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵. ص ۲و۱۴.

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۵۸

باندسازی و ترور فیزیکی و شخصیّتی مخالفان

سید یاسر جبرائیلی

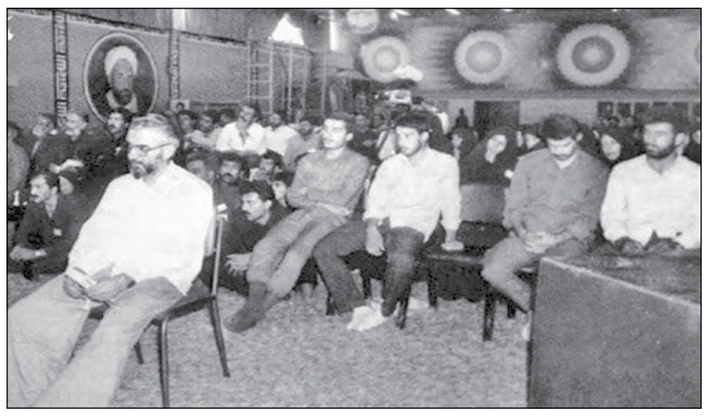

سیّدمهدی هاشمی علاوه بر پیوند خوردن با منافقین برای تصاحب قدرت و نیز پروژه‌ای که برای مطرح ساختن خود در عرصه بین‌المللی دنبال می‌کرد، برنامه‌ای نیز برای نفوذ دادن افراد خود در دستگاه‌های مختلف، ایجاد یک شبکه همسو و همچنین حذف مخالفان از عرصه سیاسی کشور داشت.

هاشمی از آغاز تأسیس واحد نهضت‌ها تا زمان انحلال این واحد و اخراجش از سپاه، اسلحه و مهمّات، موادّ منفجره، اسناد و مدارک و سایر وسایل تدارکاتی موردنیاز خود را از این نهاد خارج ساخته و مخفی کرده بود تا در فرصت مناسب و با استفاده از آنها، معادلات سیاسی و اجتماعی کشور را به نفع خویش تغییر دهد.

او با جذب افراد واخورده شهرها و روستاهای مختلف، گروهی را با نام «گروه ضربت» سازمان‌دهی کرد و با استفاده از موقعیّت بیت آقای منتظری، به مقابله با مخالفان خود در میان مسئولان نظام پرداخت. او با پخش شایعه، جناح‌بندی و خط‌سازی‌های کاذب، شرایطی را فراهم ساخت که اثرات آن، در اختلافات به‌وجودآمده بین مردم و مسئولین قهدریجان، اصفهان، قم و سایر شهرها و حتّی جبهه‌های جنگ خودنمایی می‌کرد. ازآنجاکه قبل از انقلاب، پایگاه وی در قهدریجان بود، پس از انقلاب نیز موقعیّت خویش را در این منطقه حفظ کرد و با بهره‌گیری از قدرت حاصله، تلاش کرد تا زیر نظر خود، سازمانی از نیروهای مسلّح در لنجان سفلی تأسیس کند. در اندک زمانی توانست با ایجاد چنین سازمانی، عملاً در مقابل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان ایستادگی کند. درگیری بین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته انقلاب اسلامی در همان سال‌های اوّلیّه پیروزی انقلاب در این منطقه که به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر انجامید، ازجمله آثار این پروژه سیّدمهدی هاشمی است. او اعضای باند خویش در اصفهان را نیز با نام جدید تشکیلات «حزب‌الله» احیاء و برخی از نزدیکان خود را وارد سمت‌های مهمّ سپاه کرد. تشکّل جعلی «حزب‌الله» در اصفهان اقدام به ایجاد یک سپاه خودمختار با مرکزیّت مهدی‌هاشمی کرد و تحت لوای نام سپاه اقدامات جنایتکارانه پیش از انقلاب را از سر گرفت که ازجمله این جنایات، ترور مهندس بحرینیان رئیس‌کمیته انقلاب اسلامی اصفهان بود.

حوالی نیمه دی‌ماه ۱۳۶۲، پس از آنکه امام(قدّس‌سرّه) در جریان قضایای اصفهان قرار گرفتند، فرمانده وقت اطّلاعات سپاه با نظر امام(قدّس‌سرّه) قصد عزیمت به اصفهان نمود تا به این غائله پایان دهد؛ امّا آیت‌الله منتظری پس از اطّلاع از موضوع، وی را از این مأموریّت منع کرد. متعاقب این ماجرا گزارشی خدمت امام(قدّس‌سرّه) ارائه شد و امام(قدّس‌سرّه) در پاسخ بر انجام این مأموریّت تأکید کردند. در گزارش کتبی فرمانده وقت اطّلاعات سپاه دراین‌باره آمده است: «پس از چندی، با شیطنت‌ها و مداخله‌های مهدی هاشمی و همفکران او در سپاه، به‌ویژه در برخی مناطق مانند قهدریجان مواجه شدیم. در ملاقاتی که حدود سه ماه بعد از عزیمت به اصفهان با حضرت امام انجام شد، گزارشی را از مسائل اصفهان و از جمله فعّالیّت‌های مهدی‌هاشمی ارائه کردیم. حضرت امام پرسیدند: «آیا مهدی هاشمی با آقای منتظری و بیت ایشان هم رفت‌وآمد دارد؟» ایشان در ادامه جلسه چنین دستور دادند: «درمورد فعّالیّت اینها [مهدی هاشمی و جریان او] کنترل داشته باشید و آنها را زیر نظر داشته باشید. اینها باید قلع‌وقمع شوند.».»[1]

سردار محسن رضایی فرمانده وقت سپاه می‌گوید این جریان اساساً به این دلیل که قصد داشتند فردی همسو با خود را به‌عنوان فرمانده سپاه منصوب کنند، دست به توطئه‌هایی علیه فرماندهی زدند که ازجمله آن، دامن زدن به ناآرامی و تحصّن علیه فرماندهی جنگ در پادگان ولی‌عصر تهران به سرکردگی افرادی چون اکبر گنجی و عمادالدّین باقی بود که یک پایشان در بیت آیت‌الله منتظری بود و نزد سیّدهادی‌هاشمی تردّد داشتند.[2] پروژه تخریب سردار رضایی تا جایی پیش رفت که منجر به ممنوعیّت ملاقات‌های فرمانده سپاه با آیت‌الله منتظری شد.[3]

البتّه این مسئله محدود به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نبود و باند مهدی هاشمی قصد داشت در تمامی ارگان‌ها، افراد خود را بگمارد. آقای سیّدحسین موسوی تبریزی دراین‌باره می‌گوید: «گروه سیّدمهدی هاشمی می‌خواست در تمام ارکان نظام نفوذ کند و در مناصب حسّاس کشور افراد وابسته به خود را بگمارد و واقعیّت این است که توانستند تا حدودی به این هدف برسند و عناصر زیادی از طیف خودشان را در مسئولیّت‌های مهمّ کشور قرار بدهند و مسئولینی که در خطّ اینها نبودند، برکنار کنند.»[4]

این جریان تند و افراطی، در مقطعی در صدد از بین بردن جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم نیز برمی‌آید؛ امّا با مقاومت و ممانعت آیت‌الله خامنه‌ای مواجه می‌شود و شاید از همین مقطع به بعد است که پروژه تخریب و حذف ایشان را نیز آغاز می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند: «من از اوّلی که با این جماعت برخورد کردم، نقاط منفی در آنها دیدم. اینها همان کسانی بودند که دادگاه‌های انقلاب اصفهان را درست کردند و چند تا از عناصرشان کارهای بسیار بد کردند. مهندس بحرینیان را کشتند. می‌دیدم آدم‌های صادقی نیستند. همه نگاه‌هایشان نسبت به امام و نسبت به مسائل اساسی انقلاب، نگاه‌های بدبینانه بود. نسبت به آقای بهشتی خیلی بدبین بودند و فحّاشی می‌کردند. به آقای مطهری فحّاشی می‌کردند. اینها اصلاً از اوّل پایه کارشان را این‌جوری گذاشته بودند. ما به اینها خوشبین نبودیم. بعد هم همان اوّل کار به جان جامعه مدرّسین افتادند و علیه جامعه مدرّسین [فعالیت می‌کردند.]»[5]

آیت‌الله خامنه‌ای: من از اوّلی که با این جماعت برخورد کردم، نقاط منفی در آنها دیدم. اینها همان کسانی بودند که دادگاه‌های انقلاب اصفهان را درست کردند و چند تا از عناصرشان کارهای بسیار بد کردند. مهندس بحرینیان را کشتند. می‌دیدم آدم‌های صادقی نیستند. همه نگاه‌هایشان نسبت به مسائل اساسی انقلاب، نگاه‌های بدبینانه بود.

پانوشت‌ها:

۱- محمّد محمّدی ری‌شهری، پیشین، صص ۴۵ و ۴۶

۲- گفت‌وگوی نویسنده با سرلشکر محسن رضایی

۳- محمّد محمّدی ری‌شهری، پیشین، ص ۱۰۲

۴- سیّدحسین موسوی تبریزی، خاطرات، دفتر اوّل، ص ۳۰۶

۵- مرکز اسناد دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی)

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۲ - ۳۳۱۱۳۵۱۹ - ۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۲ - ۳۳۹۱۱۵۶۸ - ۳۳۱۱۹۲۳۶ - ۳۳۱۱۲۱۹۵ - ۳۳۱۱۲۱۹۳ - ۳۳۱۱۲۲۹۱ - ۳۳۱۱۳۰۸۵ - ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ - شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ - اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ - چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ - شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ - مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ - شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق - غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ - ۶۵۲۲۲۹۳۳ - کرج ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱ - دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶TU۳ به شماره پلاک ۱۵۴ ط ۴۶- ایران ۳۴ به رنگ آبی متالیک مدل ۱۳۹۴ و شماره موتور ۱۶۵A۰۰۳۰۹۱۴ و شماره شاسی NAAP۰۳EEXFJ۲۲۰۶۲۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

خدمات شرکت‌ها
اخذ اقامت دبی، ثبت شرکت و اخذ ID کارت دبی ظرف مدت ۲۰ روز. ۰۹۱۷۱۱۹۱۳۰۳ - ۰۹۱۷۵۰۲۶۸۵۲

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

املاک سان
خرید و فروش ویلا- زمین
پیمانکاری ساختمان
مشارکت ساخت
مازندران نوشهر، سی‌سنگان
۰۹۱۱۱۹۳۲۷۳۴
۰۹۱۲۰۱۳۵۵۴۸

زیبا دشت
بعد محمد شهر
فروش استخر گلستان
۱۰۰۰ متر زمین
اداری، استخر، جکوزی
سونا خشک و بخار
۰۹۱۲۳۴۸۱۴۰۶

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته
منتشر می‌گردد

آگهی تغییر نام
به اطلاع می‌رساند انتشارات متشران اندیشه به مدیریت محمدرضا اربابی به شماره پروانه ۲۰۴۱۹ به اسم کوک تغییر نام داده شد.
انتشارات متشران اندیشه
مدیر مسئول محمدرضا اربابی

برگ سبز خودرو سواری MVM۵۵۰ به شماره پلاک ۶۸۴ د ۴۳- ایران ۷۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۹۶ و شماره MVM۴B۴FCAFH۰۰۷۵۲۴ و شماره شاسی NATGCAR۹H۱۰۰۷۵۱۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس به رنگ سفید مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ۹۳۱ط ۵۲ ایران ۶۸ به شماره موتور ۱۲۴K۱۶۵۹۴۸۴ به شماره شاسی NAAN۰۱CEvMH۷۴۳۴۹۷ به مالکیت جهانبخش محمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب ریحانه کامران مالک خودرو پژو پارس مدل ۹۹ به شماره انتظامی ۴۵۳ م ۸۸ ایران ۴۱ به شماره تنه NAAN۰۱CE۵LK۰۴۰۳۷۰ و شماره موتور ۱۲۴K۱۴۶۲۴۵۳ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام قانونی به عمل خواهد آمد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت مزدا ۲۰۰۰I CARA به شماره پلاک ۳۲۴ و ۷۶- ایران ۲۴ به رنگ نقره‌ای- متالیک مدل ۱۳۹۶ و شماره موتور E۲J۷A۷۱۶۰ و شماره شاسی NAGP۲PC۳۱HA۲۵۵۰۲۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سمند ال‌ایکس به شماره پلاک ۵۷۳ س ۲۸- ایران ۱۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۸۸ و شماره موتور ۱۲۴۸۸۰۶۳۶۱۱ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۰۹F۸۰۰۸۳۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پراید صبا (جی.تی.ایکس) به شماره پلاک ۹۶ د ۲۱- ایران ۱۴- به رنگ اطلسی- معمولی مدل ۱۳۷۸ و شماره موتور ۰۰۱۳۳۳۳۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۸۶۱۵۸۵۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب طاهره کاروان بوم فرزند بهمن به شماره شناسنامه ۳۹۸۰ صادره از کرمانشاه و شماره ملی ۲۵۸۲۶۸۲۶۵۸ در مقطع کاردانی تایپوسته رشته نرم افزار کامپیوتر صادره از مرکز آموزش علمی - کاربردی جهاد دانشگاهی کرمانشاه با شماره ۹۰۲۱۴۰۲۰۱۲۰۳۲۰ به تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به مرکز آموزش علمی- کاربردی جهاد دانشگاهی استان کرمانشاه به آدرس چهارراه ارشاد- مرکز آموزش علمی- کاربردی ارسال نمایند.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶TU۵ مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید- روغنی به شماره انتظامی ۹۷۵ ط ۵۳ ایران ۶۲ به شماره موتور ۱۳۳۸۹۰۲۸۸۴۱ و شماره شاسی NAAP۱۳FE۴BJ۴۵۲۴۱۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سیستم پژو تیپ ۴۰۵GLXI به رنگ مشکی- متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۵۵۳ م ۳۵ ایران ۸۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۵۹۹۱۳ و شماره شاسی NAAM۱۱CA۸AE۳۳۴۱۱۲ مربوط به سپیده توکلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری هاچ بک سیستم پژو تیپ ۲۰۶TU۵ مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید- روغنی به شماره انتظامی ۶۲ د ۵۳ ایران ۶۲ به شماره موتور ۳۳۵۳۳۵۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۱۳۳۷۵۲ مربوط به پویا مرادی‌نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و کارت شناسایی خودرو سواری سیستم پراید تیپ جی‌تی‌ایکس آی مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۵۹ د ۵۳ ایران ۶۲ به شماره موتور ۳۳۵۳۳۵۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۱۳۳۷۵۲ مربوط به پویا مرادی‌نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی‌های مفقودی

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت اول)
دانشنامه فارغ‌التحصیلی اینجانب فاطمه معین کلو فرزند محمد به شماره شناسنامه ۳۵/۴۷۴۹۰۱ و شماره ملی ۵۶۰۳۶۶۵۰۱ صادره از اسلامشهر در مقطع کارشناسی- رشته حسابداری- حسابرسی صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال به شماره ۹۴۳۰۷۵۶۹۱ مورخ ۱۳۹۹/۶/۱۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی تهران- بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه- خیابان شهید صدوقی- بلوار وفادار- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

برگ سبز سواری پیکان ۱۶۰۰ به شماره انتظامی ۵۵۹۴۱۴ ایران ۷۳ مدل ۸۳ موتور ۱۱۲۸۳۱۴۹۴۱۱ شاسی ۸۳۵۳۲۴۴۳ به نام مجید رضائی حقیقی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودرو سواری جک S۵، به رنگ مشکی، مدل ۱۳۹۷، به شماره انتظامی ۶۷۴ ط ۲۹ ایران ۷۹، شماره موتور HFC۴GA۳۱DJ۰۰۰۸۹۵۶ و شماره شاسی NAKSH ۷۳۲۱ JB ۱۶۲۸۴۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

خدمات مسافرتی

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

بنایی و خدمات ساختمانی
تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴ - ۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲
دفتر فنی مهندسی عدالت تهران
خدمات چاه لوله سراسر تهران شبانه‌روزی ارزانتر از همه جا
۰۹۱۹۳۰۷۸۷۳۳
پیمانکاری ساختمانی اسکندری
انجام کلیه امور نقاشی ساختمان و تعمیرات ارزان فوری عالی
۰۹۱۲۳۶۴۷۹۱۶
آلمان +ایتالیا
هر سفارشی دارید با ما تماس بگیرید
۸۸۷۵۳۷۴۹
۰۹۱۲۳۵۴۵۰۶۱

استخدام

دعوت به همکاری
مؤسسه‌ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می‌نماید.
- واحد فنی : ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا
- نگهبان : جهت تکمیل کادر انتظامات - ۳ نفرمرد با تحصیلات دیپلم به بالا
- واحد توزیع : ۳ نفر مرد (ترجیحاً با وسیله نقلیه)
- امور مالی : ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی لیسانس حسابداری
- امور اداری : ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا
آشنایی متقاضیان واحدهای مالی و اداری با نرم‌افزارهای مربوطه الزامی است.
واجدین شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

آگهی مزایده نوبت دوم
(شماره ۱۳۲/پ/۱۴۰۲)
(فروش ماشین آلات کارخانه آجر)
شرکت تهیه و تولید خاک نسوز استقلال آباده در نظر دارد ماشین‌آلات کارخانه آجر نمای نسوز واقع در شهرک صنعتی آباده را از طریق مزایده غیر حضوری به فروش برساند. لذا از متقاضیان درخواست می گردد جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت لیست قطعات مذکور تا مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۸ به دفتر مرکزی شرکت واقع در چهار راه جوادیه- واحد بازرگانی مراجعه نمایند.

اسامی ۱۰ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام کودک: فاتح
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۵/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۰
ارجاع دهنده: بیمارستان امام خمینی (ره)

نام کودک: آرتین
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۴/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۰
ارجاع دهنده: اورژانس دولت‌آباد

نام کودک: آرشا حسینی
تاریخ تولد: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۳
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی ورامین

نام کودک: حسین
ت